■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۸ | ۶ رجب ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۶۱۳ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Sunday - 2020 March 1

حدیث روز: تحف‌العقول

از امام حسن(ع) سؤال شد: جلال و شکوه چیست؟ فرمود: انجام کار نیک و ترک کار زشت.

پلک احساس: سعدی

کسی که روی تو بیند نگه به کس نکند
ز عشق سیر نباشد ز عیش بس نکند

امروز در تاریخ:

- زادروز مرتضی حنانه، آهنگساز ایرانی (۱۳۰۱ش)
- افتتاح مریضخانه گوهرشاد در مشهد (۱۳۱۱ش)
- آغاز خروج ارتش انگلیس از ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴ش)
- وقوع فاجعه واسی و آغاز جنگ‌های مذهبی اروپا (۱۵۶۲م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۱۷ | غروب آفتاب: ۱۸/۰۰
اذان مغرب: ۱۸/۱۸ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۵
اذان صبح (فردا): ۵/۱۰ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۳۳

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	ایلام	اراک	ارومیه	بوشهر	ساری	زنجان	قم
۱۱ / ۳	۸ / ۱-	۱۰ / ۰	۷ / ۲-	۲۲ / ۱۴	۹ / ۶	۲ / ۴-	۱۵ / ۵

حکمت ۱۲۱: نهج‌البلاغه

چقدر فاصله بین دو عمل دور است: عملی که لذتش می‌رود و کیفر آن می‌ماند و عملی که رنج آن می‌گذرد و پاداش آن ماندگار است.

خودنویس

یک پیشنهاد نسبتا بی‌شرمانه

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

حالا شما شاید بگویید عملی نیست یا نمی‌شود یا سخت است یا در مجموع عددی نیست ولی نمادین که می‌شود این کار را کرد. دل‌خوش‌کنک که هست. نمی‌شود؟ نیست؟ چه کار؟ حتما شما هم این روزها در کوران اخبار کرونا زحمتهای کادر بهداشت و درمان شهرهای مختلف را دیده اید. یکی عروسی‌اش را به تعویق انداخته. یکی چند شب است خانه نرفته و بچه اش را ندیده. یکی دوتاشان هم متاسفانه شهید راه مردم و وطن شده‌اند. وسط این‌ها بگیر خبر می‌رسد که مجلس شورای اسلامی که در آن نمایندگان مردم مشغول به قانونگذاری هستند و رسالت‌شان این است که صدای مردم باشند تعطیل شده، نه نه اشتباه نکنید. این یک یادداشت تند منتقدانه نیست. نمی خواهم غر بزنم، من هم صلاحیت این را ندارم که تعیین تکلیف کنم که برای خانه ملت نسخه ای بپیچم من فقط دوست دارم حالا که کرونا آمده جدی هم هست و به گفته وزیر بهداشت هفته سختی هم پیش روست. خدا به دل یکی از این نماینده‌های مردم بندازد امشب یک گروه واتس‌اپی درست کند. یک عکس سید حسن مدرس هم بگذارد روی پروفایل و اسم گروه را هم بگذارد خادمان ملت. این آقای نماینده اول به نمایندگان خدوم ملت ایران خوشامد بگوید بعد چندتا استیکر گل بفرستد بعد تایپ کند: با توجه به تشدید کار و خطر احتمالی هموطنان عزیزمان که در کادر درمانی سراسر کشور مشغول به کارهستند فکری به ذهنم رسید و گفتم با شما همکاران نازنین هم در میان بگذارم که انشاا... از این بحران پیش آمده بتوانیم فرصت سازی کرده و قدری در کاهش آلام درد هموطنانمان سهیم باشیم. با توجه به تعطیلی مجلس شورای اسلامی از همکاران محترم تقاضا می‌شود که در صورت موافقت نامه ای تنظیم گردد و در آن به معاونت مالی مجلس اعلام داریم این جانبان امضاکنندگان ذیل با توجه به مشکلات پیش‌آمده و نیز تعطیلی مجلس حقوق و مزایای اسفندماه خود را به پرسنل خدم کادر بهداشت و درمان تقدیم می‌کنیم.

بله با توجه به تعداد زیاد پرسنل بهداشت، مبلغ زیادی نمی شود. بله زندگی نماینده‌ها هم خرج دارد. بله شب عید است. ولی یک شیشه عطر کوچولو. یک شاخه گل. یک دیوان حافظ جیبی نستعلیق. یک شانه چوبی... اینها را هم نمی‌شود با حقوق دویست و خرده ای نماینده مردم! خرید؟

یعنی آن گروه واتس‌اپی تشکیل می شود؟ یعنی کسی روی آن پیغام ریپلای می زند که: ای وا... من موافقم...

ولش کن رفیق... یادداشت دارد پانصد کلمه را رد می‌کند. من می روم دست هایم را بشویم.

ویلچر خودران به فرودگاه رسید

هواپیمایی انگلیس قصد دارد برای تسهیل جابه‌جایی معلولان از ویلچرهای برقی خودران استفاده کند و این کار را در فرودگاه جان‌اف‌کندی آغاز کرده است.

به گزارش فارس، شرکت هواپیمایی بریتیش ایرویز در حال آزمایش صندلی‌های چرخدار برقی مستقل در فرودگاه جان اف کندی است تا به معلولان و ناتوانان کمک کند.

ویلچرهای یادشده از فناوری شناسایی موانع برخوردار هستند و می‌توانند عابران دیگر و اشیای گوناگون را شناسایی کنند تا جلوی برخورد با آنها گرفته شود. ویلچر پس از پیاده‌کردن فرد در گیت مورد نظر خود، دوباره به ایستگاه خود باز می‌گردد؛ جایی که مسافر بعدی منتظر آن است.

گفت‌وگو با نیوشا ضیغمی بازیگر فعال در حوزه کودکان کار

آنها غریبه نیستند

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

نه سرما و نه گرما نه باران و نه برف و نه حتی کولاک و یخبندان. آنها را در هر شرایطی می‌توان در خیابان‌ها، سر چهارراه‌ها، در محل‌های پر رفت‌وآمد یا کنار سطل‌های زباله دید. با دست و صورتی که تمیز نیستند و خیلی دیر به دیر حمام و شست و شو را تجربه می‌کنند. نه تعطیلی دارند و نه عید و عزا و نه آلودگی هوا تاثیری بر آنها دارد و نه روزهای خوش و دل‌انگیز بهاری و...

حتما با خودتان می‌گویید عجب موجوداتی هستند اینهایی که معرفی‌شان می‌کنی. شاید از فضا آمده‌اند و غریبه‌ای هستند در میان ما؛ اما نه، آنها از فضا نیامده‌اند مثل ما آدم‌اند با همه توانمندی‌ها و ضعف‌ها. با تن و روانی که گاهی بیمار می‌شود و گاهی هم سلامت است. استعداد آنها هم مثل بقیه است و شاید در برخی زمینه‌ها اتفاقا نخبه هم باشند. آنها زمانی که متولد شدند، غریبه‌ای در میان این جهان نبودند، آفریده خداوند بودند اما شرایط این دنیا آنها را به جغرافیایی فرستاد که در آن عشق کمتری وجود دارد و آنها تبدیل شدند به کودکان کار! غریبه‌ای در میان جمع. معصومانی که در کنار ما زندگی می‌کنند اما دور از ما هستند. نگاه‌شان می‌کنیم، دلمان برایشان می‌سوزد و گاهی به آنها کمک می‌کنیم اما دوریم از آنها و دنیایی که جبر جغرافیا، جبر عشق و محبت برایشان ساخته است.

این روزها، همه در شرایطی ویژه زندگی می‌کنند. در روزهایی که به روزهای کرونایی معروف شده. برای بچه‌ها شرایطی خاص‌تر در نظر گرفته شده است. همه حواسشان هست که بچه‌ها کمترین آسیب را ببینند؛ هم از نظر روانی هم جسمی. اما این روزها مثل همه روزهای عادی غریبه‌های آشنا به روال عادی هر روز عمرشان مشغول کارند. مصداق همان جمله کوتاه: اگر از آسمان سنگ ببارد آنها باید سرکارشان حاضر باشند. شرایط برای آنها تغییری نمی‌کند. اما در این روزهای کرونایی ما بیشتر از گذشته خودمان را از آنها دور می‌کنیم. آنها برای ما کروناهای متحرکی هستند که در همه جا می‌توان آنها را دید و هیچ‌کس چاره‌ای برای رهایی آنها از این زنجیره ندارد و ما هم چاره‌ای جز تماشای آنها نداریم.

بی‌دفاع‌ترین موجودات روی زمین

نیوشا ضیغمی، بازیگر سینما و تلویزیون سال‌هاست در زمینه بهبود شرایط زندگی کودکان کار فعالیت می‌کند. دوره‌ای در یکی از مراکز حمایت از کودکان کار جزو هیات مدیره بود و از شهرت و محبوبیت خود استفاده می‌کرد تا نگاه مسوولان را به این کودکان کار جلب کند تا شاید که راهی برای نجات آنها پیدا شود. دو سه سال قبل با او گفت وگویی کردم و ضیغمی به این نکته اشاره کرده که والدین کودکان کار چشمشان به پولی است که فرزندانشان هر شب برای آنها می‌آورند و وقتی این کودکان نان‌آور خانه باشند و والدین از کار آنها حمایت کنند شرایط بهبود زندگی بچه‌های کار سخت‌تر می‌شود؛ چون این پدر و مادرها هستند که با صاحب کار آنها وارد معامله می‌شوند و مافیایی را شکل می‌دهند که از پای در آوردنش دیگر آسان نیست.

حالا در شرایط کرونایی باز هم ضیغمی بر این باور است که کودکان کار، محروم‌ترین و بی‌دفاع‌ترین موجودات روی زمین هستند که گروهی که فقط به جیب خود فکر می‌کنند از آنها بیگاری می‌کشند. کرونا که چه بگویم هر مصیبت بزرگ تری هم که از آسمان نازل شود این بچه‌ها باید سر کار حاضر شوند. این روزها که همه به‌دنبال ماسک و دستکش یک بار مصرف و ژل ضدعفونی کننده هستند، بچه‌های کار در میان زباله‌ها مشغول کارند. هیچ مسوولی مسوولیت آنها را به عهده نگرفته و نمی‌گیرد. من سال‌هاست با مسؤولان زیادی در هر اداره و نهادی که به نظرم می‌توانستند کاری برای این بچه‌ها بکنند، صحبت کردم و جلسه گذاشتم، هیچ کس زیر بار نمی‌رود. بیشتر این بچه‌ها افغانستانی هستند و چون شناسنامه ندارند، هویتی هم ندارند و شرایط زیستی و مراقبتی آنها خیلی بدتر از کودکان کار ایرانی است.

چگونه آینده‌ای خواهیم داشت؟

ضیغمی می‌گوید: این بچه‌ها شرایط خود را پذیرفته‌اند و انگار خود را از همه آدم‌ها و حقوقی که حق آنهاست جدا کرده‌اند. آنها آنقدر به کار در شرایط سخت و غیر بهداشتی ادامه می‌دهند تا روزی که از پای درمی‌آیند اما ما که می‌دانیم این بچه‌ها مثل بقیه حق حیات دارند چرا این حق را برای آنها فراهم نمی‌کنیم؟ از طرفی این بچه‌ها ناقل انواع بیماری‌ها هستند و دیر یا زود دود این اهمال کاری به چشم همه ما می‌رود. این بچه‌ها با دنیایی از کینه بزرگ می‌شوند و تصور کنید وقتی بزرگ شوند چگونه نقشه انتقام از همه ما را در ذهن طراحی می‌کنند. تعداد کودکان کار در نبود قانون روز به روز بیشتر می‌شود. اما هیچ نهاد و سازمانی مسوولیت آنها را به عهده نمی‌گیرد. این روزها که همه ما از ترس کرونا به خانه‌های خود پناه برده‌ایم و قاعدتا زباله بیشتری هم تولید می‌کنیم. این بچه‌ها در میان زباله‌های آلوده به کرونا زندگی می‌کنند. آیا شرایط این روزها زنگ هشداری را به صدا در نیاورده که کودکان کار ساماندهی شوند. شاید این ویروس آمده تا جای خالی کارهایی که باید انجام می‌دادیم و ندادیم را به ما نشان دهد که یکی از مهم‌ترین آنها ساماندهی کودکان کار است.

چند گلایه و یک راهکار

ضیغمی می‌گوید: بیشتر از ده روز است از خانه بیرون نیامده‌ام. تهدید عمیق و جدی کرونا یک طرف ماجراست و اخبار نادرستی که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، طرف ترسناک کروناست. به نظرم الان دیگر وقتش است اینترنت گوشی‌های هوشمند را خاموش کنیم و فقط اخبار درست را از رسانه‌های رسمی دریافت کنیم.

البته در این میان باید یک گلایه از مسوولان هم بکنیم که چرا دیر اطلاع‌رسانی کردید؟ چرا به بی‌اعتمادی دامن زدید؟ و یک گلایه هم بکنیم از همه فروشندگان مواد بهداشتی که آنها را برای سود بیشتر احتکار کرده و بازار این مواد را در شرایط بسیار اورژانسی ملتهب کردند. در شرایطی که ما از بحرانی به بحران دیگر می‌رویم چطور یک عده چنین بی‌وجدان با سلامت هموطنان خودشان بازی می‌کنند و در آخر این که انسانیت را پاس بداریم در هر شرایطی.

کافه میرداماد

مقطع حساس کنونی

داستان زنبور و مار و کرونا و آنفلوآنزا

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

روزی یک زنبور و یک مار بر سر موضوعی دچار بحث و اختلاف نظر شدند. مار گفت: آدم‌ها بیش از آن‌که از نیش من بمیرند، از ظاهر ترسناک من جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کنند. زنبور قبول نکرد و گفت: این چنین نیست. مار گفت: می‌توانم حرف خود را اثبات کنم. زنبور گفت: چگونه؟ مار گفت: آن مرد را که در آنجا خوابیده، می‌بینی؟ زنبور گفت: بلی. مار گفت: من سراغ او می‌روم و نیشش می‌زنم و مخفی می‌شوم. آنگاه تو بالای سر او پرواز کن، انگار که تو او را نیش زده‌ای. آن‌وقت ببینیم چه می‌شود. زنبور قبول کرد و با هم سراغ مرد خوابیده رفتند و مار او را نیش زد و زنبور بالای سر او به وزوز پرداخت. مرد بر اثر درد ناشی از نیش از خواب پرید و زنبور را دید و بر پدر و مادر او لعنت فرستاد و سپس شروع به مکیدن جای نیش و تخلیه زهر کرد و یک گاز استریل روی جای نیش گذاشت و پس از مدتی خوب شد. مار رو به زنبور کرد و گفت: حالا برعکس. تو او را نیش بزن و مخفی شو و من زیر پای او فیس‌فیس خواهم کرد. سپس هردو سراغ مرد رفتند و زنبور او را نیش زد و مخفی شد و مار شروع به فیس‌فیس کرد. مرد بر اثر درد ناشی از نیش از خواب پرید و وقتی مار را دید از ترس پا به فرار گذاشت و به‌خاطر وحشت از مار زهر را تخلیه نکرد و مرهمی هم بر زخم نگذاشت و چند ساعت بعد بر اثر نیش زنبور و استرس ناشی از دیدن مار، دار فانی را وداع گفت. در این لحظه حکیمی که به همراه مریدان از آنجا می‌گذشت رو به مریدان کرد و گفت: دیدید؟ بدانید که بیماری‌ها نیز چنین هستند.

برای مثال بیماری کرونا که درصد مرگ و میر پایینی دارد به‌خاطر ترس عمومی مردم بسیاری از ممالک دنیا را به حال تعطیل درآورده، اما بیماری آنفلوآنزا که درصد مرگ و میر بالایی دارد به‌خاطر آن‌که کسی از آن نمی‌ترسد، انگار نه انگار. حکیم سپس به کانال‌ها و پیج‌های خبری که به ترس عمومی دامن می‌زنند فحش‌های زشت داد و به‌همراه مریدان برای انجام تست کرونا به‌سمت بهداری مجلس شورای اسلامی حرکت کرد.

رونق موصل در موسم کرونا

کارخانه ای در موصل روزانه ۲۰ هزار ماسک یک‌بار مصرف تولید می کند. به گزارش فرارو، این کارخانه که توسط وزارت صنعت عراق اداره می شود یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های عراق است که در سال ۱۹۸۳ ساخته شده است. شیوع ویروس کرونا موجب رونق گرفتن این کارخانه شده است و ۳۰۰ کارگر در آن کار می‌کنند. تا پیش از اشغال شهر موصل توسط داعش در سال ۲۰۱۴ این کارخانه لباس‌های یک‌بار مصرف پزشکی تولید می کرد. ویروس کرونا موجب شده تا در حال حاضر علاوه بر لباس‌های یک‌بار مصرف ماسک یک‌بار مصرف نیز در این کارخانه تولید شود.

رونق این کارخانه تولید ماسک در موصل در حالی است که بازار موادضدعفونی کننده مرتبط با کرونا در تمام جهان مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. در روزهای گذشته شبکه‌های اجتماعی اخبار و تصاویری از داروخانه‌هایی در اروپا منتشر کرده‌اند که با نصب کاغذ اعلام کرده بودند: «ماسک نداریم».

راننده تاکسی

علی رئوف

نان شب خانواده که ترس جان برنمی‌دارد برادر من! تو که کارت نوشتن است نهایتش خودنویس و کاغذ و صفحه کلیدت را ضدعفونی می‌کنی و می‌نشینی خانه و می‌نویسی. من اگر یک روز با همه مردم دنیا دمخور نشوم، خانواده‌ام باید سر گرسنه به بالین بگذارند. فکر می‌کنی اغراق می‌کنم که می‌گویم همه مردم دنیا؟ هر سرویس تاکسی می‌شود چهار مسافر، اگر ده سرویس در روز کار کنم، تعداد مسافرها می‌شود ۴۰ نفر. می‌دانی ۴۰ در زبان ما عدد کثرت است؟ چیزی از عدد کثرت شنیده‌ای؟ یعنی وقتی کسی می‌گوید با ۴۰ نفر دم خور شدم منظورش این است که با تعداد زیادی از آدم‌ها دمخور شده است. شاید با همه آدم‌های دنیا!

عکس: باشگاه خبرنگاران جوان

کشف ۱۷ سیاره جدید

یک دانشجوی ستاره شناسی ۱۷ سیاره جدید کشف کرده که یکی از آنها مشابه زمین است و ممکن است دارای حیات باشد.

به گزارش فارس، هیجان انگیزترین کشف از درون ۱۷ سیاره، یک سیاره به نام KIC-۷۳۴۰۲۸۸ b است که اندازه آن ۱/۵ برابر زمین است. این سیاره جدید یک دنیای بالقوه قابل سکونت است و یک هزار سال نوری از زمین فاصله دارد؛ میشل کونیموتو، دانشجوی دانشگاه بریتیش کلمبیا از طریق اطلاعات تلسکوپ فضایی کپلر ناسا توانسته این ۱۷ سیاره را کشف کند.

سیاره سنگی شبیه کره زمین که توسط کونیموتو پیدا شده، هر یک سالش ۱۴۲/۵ روز است و ۴۱ میلیون مایل از ستاره خود دور است.

از ۱۶ سیاره جدید دیگر که به تازگی کشف شده، یکی از آنها که در بخش کوچک‌تری قرار می‌گیرد دو سوم زمین است؛ یکی از کوچک‌ترین سیاراتی که تاکنون با کپلر یافت شده است. براساس داده‌های موجود، تقریبا بقیه سیارات کشف شده حدود هشت برابر اندازه زمین است.

پیشگویی درست سیمپسون‌ها

پیش‌بینی انتقال بیماری (کرونا ویروس) از چین به سایر نقاط جهان در یکی از قسمت‌های کارتون سیمپسون‌ها منتشر شده بود. به گزارش فرادید، در یکی از قسمت‌های این انیمیشن در سال ۱۹۹۳ در فصل چهارم قسمت Marge in Chains، کارخانه‌ای را نشان می‌دهد که از متن روی جعبه‌های آنجا پیداست مربوط به آسیای شرقی و اوزاکای ژاپن است. دو نفر در حال مکالمه با هم هستند که ناگهان یکی از کارکنان عطسه می‌کند، از دهان او یک ویروس بیرون می‌آید، آنها ویروس‌ها را درون جعبه‌ها قرار می‌دهند. وقتی آن جعبه‌ها به سطح مردم شهر می‌رسد همه دچار آن ویروس می‌شوند و ویروس در سراسر شهر پخش می‌شود.

بسیاری این قسمت را به شیوع ویروس کرونا که در حال حاضر با آن مواجهیم ربط داده‌اند.